

بررسی وضعیت سرمایه‌گذاری خارجی در الگوی بومی توسعه ایران

مصطفی علیزاده آرند^۱

زهرا کنعانی^۲

چکیده

کشورها نیاز به سرمایه‌هایی برای تأمین منابع مالی برنامه‌های خود دارند؛ اما از آنجاکه میزان پس‌انداز و نقدینگی این کشورها به مقدار الزام برای انجام طرح‌های زیرساختی و اقتصادی کلان کفاف نمی‌کند، این کشورها دست به دامان سرمایه‌های خارجی می‌شوند. این سرمایه‌ها به دو صورت وام و سرمایه‌گذاری خارجی تأمین می‌شوند که همواره کشورها به علت تأثیرات منفی وام‌ها و بدهی‌های سنگینی که برای کشورها به بار می‌آورد، از آن دوری جسته و تمایل به تأمین سرمایه به شیوه سرمایه‌گذاری خارجی آن‌هم از نوع مستقیم دارند. در حال حاضر، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، اهرم اصلی برای تکمیل اقتصاد بین‌الملل کشورها هست که کشور ایران نیز به عنوان کشور در حال توسعه برای تحرک اقتصاد داخلی و حرکت به سوی اقتصاد جهانی، به این سرمایه‌ها نیاز دارند. در این مقاله که به روش کتابخانه‌ای-اسنادی، انجام شده است سعی می‌شود تا به بررسی سرمایه‌گذاری خارجی در الگوی بومی پیشرفت بپردازد. دست‌یابی به این سرمایه‌های خارجی نیازمند فراهم کردن زمینه‌ها و نیز از میان برداشتن موانع داخلی و خارجی است که در این راستا، جمهوری اسلامی ایران تا حدودی در رفع موانع و محدودیت‌های داخلی موفق بوده است اما موانع خارجی همچنان پابرجاست که نمونه آن را در تحریم‌های چند سال اخیر نظام بین‌الملل علیه کشور ایران مشاهده می‌کنیم.

کلمات کلیدی: سرمایه‌گذاری خارجی، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، رشد اقتصادی، اقتصاد ایران، الگو اسلامی

ایرانی پیشرفت

۱. مقدمه

امروزه سرمایه‌گذاری خارجی^۳ (FDI)، یکی از بهترین روش‌های مطرح‌شده در زمینه تأمین مالی پروژه‌های سرمایه‌گذاری است. به کارگیری این نوع سرمایه‌گذاری علاوه بر تأمین منابع مالی، اهداف دیگری را نیز همچون

^۱ کارشناس ارشد علوم اجتماعی دانشگاه قم (نویسنده مسئول mostafasin42@gmail.com)

^۲ کارشناس ارشد علوم سیاسی دانشگاه شیراز (km.zahra69@gmail.com)

^۳ Foreign Investments.

هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشبرانها، چالشها و الزامات تحقق؛ بیست و دوم و بیست و سوم خردادماه ۱۳۹۸

ارتقای فناوری، توسعه بازارهای صادراتی، افزایش استانداردهای تولید داخلی، حرکت به سوی اقتصاد بازار آزاد جهانی، توسعه مهارت و مدیریت برای ارتقای توان کیفی نیروی کار داخلی و ایجاد درآمدهای ارزی برای پرداخت بدهی‌های ارزی کشور میزبان به دنبال دارد. در این شرایط وظیفه دولت ایجاد شرایطی برای تولید و پرورش کارآفرینان داخلی است تا از این طریق بتواند سرمایه‌گذاران خارجی را برای مشارکت با شرکت‌های خصوصی داخلی تشویق کند. یکی از مهم‌ترین عواملی که باعث رشد اقتصادی کشورهای در حال توسعه‌ای همچون کشور ایران می‌شود، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی است. البته باید این مسئله را نیز در نظر داشت که سرمایه‌گذاری خارجی، یک ابزار مهمی برای انتقال فناوری و نوآوری‌های روز دنیا از کشورهای توسعه یافته و پیشرفته به کشورهای در حال توسعه است (یاوری و سعادت، ۱۳۸۴: ۲۴). کشور ایران نیز به‌عنوان یک کشور در حال توسعه به این سرمایه‌های خارجی نیازمند است و برای به حرکت درآوردن چرخ‌های توسعه و صنعت خود، باید در جهت جذب هر چه بیشتر این سرمایه‌ها تلاش کند و زمینه‌های لازم را برای جذب این سرمایه‌های خارجی فراهم کند.

۲. مروری بر برخی پژوهش‌های انجام‌شده

مرتضی بهروزی فر، در مقاله‌ای تحت عنوان «ایران، تحریم‌های آمریکا و بازار جهانی»، به این مسئله می‌پردازد که کشور ایران برای صنعت نوپای خود به‌ویژه در بخش فناوری‌های نفت و گاز به صنعت کشورهای خارجی به‌خصوص تجهیزات و امکانات کشورهایی چون آمریکا نیازمند است، اما باوجود شرایط فعلی و تحریم‌ها، ایران از این امکانات محروم است و در صورت عدم بهبود این شرایط و کاهش تحریم‌ها مقدار سرمایه‌گذاری خارجی در کشور ایران کمتر نیز خواهد شد.

ناصر علیدوستی شهرکی، در کتابی تحت عنوان «حقوق سرمایه‌گذاری خارجی» به بررسی ساختار حقوقی مسائل پیش‌آمده در زمینه سرمایه‌گذاری‌های خارجی می‌پردازد و بیان می‌کند که با حرکتی که به سمت جهانی شدن و ورود سرمایه‌های کشورهای پیشرفته و صنعتی به کشورهای میزبان صورت گرفته است، باید به مناسبت آن قوانین موردنظر را انطباق داد و از قوانینی بین‌المللی و عام‌المنفعه استفاده کرد تا سرمایه‌گذاران خارجی نیز هر چه بیشتر به سرمایه‌گذاری در کشورهای در حال توسعه تشویق شوند.

کاظم یاوری و نادر مهرگان، طی یک بررسی در زمینه سرمایه‌گذاری خارجی در کشور به این امر پرداخته‌اند که دولت برای حل دغدغه‌های اقتصادی و تأمین منابع مالی، به سرمایه‌گذاری‌های خارجی نیازمند است و دیگر اینکه سرمایه‌گذاری‌ها باید بیشتر در بخش ماشین‌آلات صورت بگیرد و نوعی ایجاد مکمل‌گونی بین سرمایه داخلی و سرمایه خارجی برای بخش ماشین‌آلات باید ایجاد شود.

حسین خزاعی، در مقاله‌ای تحت عنوان «سرمایه‌گذاری خارجی در ایران و اصل ۸۱ قانون اساسی» باین امر که کشورهای در حال توسعه نیازمند علم، فناوری و سرمایه کشورهای پیشرفته هستند و ایران نیز از جمله این کشورهاست که برای رسیدن به توسعه اقتصادی و تهیه شرایط رشد اقتصادی نیاز به دیگران دارد، سپس با بررسی قانون اساسی و اصل ۸۱ این قانون به این نتیجه می‌رسد که قانون مورد بحث مانعی برای جذب سرمایه‌های خارجی نیست؛ بلکه عاملی برای اشتراک سرمایه‌دار خارجی با سرمایه‌دار داخلی می‌شود.

هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشبران ما، چالش‌ها و الزامات تحقق؛ بیست و دوم و بیست و سوم خردادماه ۱۳۹۸

مالک ذوالقدر، در مقاله‌ای تحت عنوان مبانی نظری سرمایه‌گذاری خارجی، ابتدا بایبان تعاریفی از سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی از سوی سازمان‌ها و نهادهای مختلف به مشخص کردن مبانی نظری سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی از جمله تئوری‌های مربوط به بازار کامل، تئوری درونی سازی و بازارهای ناقص و اینکه بازار کامل خود به نرخ متفاوت عواید، تنوع سرمایه‌گذاری و اندازه بازار تقسیم می‌شود، توجه دارد و معتقد است که این عوامل تأثیری کلان بر جذب سرمایه‌گذاری خارجی در کشورهای نیازمند به سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی دارند.

۳. مبانی نظری

سرمایه‌گذاری خارجی، به انتقال وجوه یا مواد از یک کشور به کشور دیگر جهت استفاده در تأسیس یک بنگاه اقتصادی در کشور اخیر در ازماء مشارکت مستقیم یا غیرمستقیم در عواید آن اطلاق می‌گردد. سرمایه‌گذاری خارجی از اشکال صدور سرمایه از کشور سرمایه‌گذار به کشور سرمایه‌پذیر می‌باشد و به شکل سرمایه‌گذاری در تولید و ساخت کالا، استخراج مواد خام، تأسیس و گسترش نهادهای مالی و غیره در فراسوی مرزهای ملی انجام می‌شود. به لحاظ نظری، همه اقتصاددانان سرمایه را به عنوان نیروی محرک رشد و توسعه اقتصادی جوامع تلقی می‌کنند و همه مدل‌ها و الگوهای توسعه اقتصادی را بر پایه همین اندیشه طراحی می‌کنند. استفاده از امکانات سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی از طریق به کارگیری مطلوب منابع تولید، از مهم‌ترین عوامل نیل به پیشرفت اقتصادی جوامع به حساب می‌آید. بدیهی است که تأمین مالی تشکیل سرمایه داخلی از طرق مختلف همچون استفاده از پس‌انداز داخلی، بدهی خارجی و جذب سرمایه خارجی امکان‌پذیر است. جوامعی که برای توسعه خود در داخل از سرمایه کافی برخوردار نباشند، توسل به سرمایه‌های خارجی را از ضروریات توسعه اقتصادی تلقی خواهند کرد.

در یک تقسیم‌بندی کلی، سرمایه‌گذاری خارجی را به دودسته تقسیم می‌کنند: سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی^۱ و سرمایه‌گذاری غیرمستقیم خارجی^۲

سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، حکایت از رابطه دائم میان سرمایه‌گذار و سرمایه‌پذیر، به‌ویژه فرصتی برای نفوذ واقعی بر اقدامات کشور میزبان توسط سرمایه‌گذار دارد. صندوق بین‌المللی پول، FDI را چنین تعریف کرده است: «سرمایه‌گذاری مستقیم باهدف کسب منافع طولانی‌مدت توسط یک شخصیت حقیقی یا حقوقی مستقر در یک اقتصاد معین صورت می‌گیرد».

کنفرانس تجارت و توسعه سازمان ملل، FDI را سرمایه‌ای دانسته که متضمن مناسبات بلندمدت، میان سرمایه‌گذار و سرمایه‌پذیر بوده و کنترل و منافع مستمر اشخاص حقیقی و یا حقوقی مقیم یک کشور در شرکتی خارج از موطن سرمایه‌گذار را به همراه دارد.

سازمان تجارت جهانی نیز، FDI را چنین تعریف می‌کند: سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، زمانی صورت می‌گیرد که سرمایه‌گذار یک کشور مبدأ (کشور مادر) یک دارایی را در کشور دیگر (میزبان)، باهدف مدیریت آن به دست می‌آورد (ذوالقدر، ۱۳۸۸: ۹۱-۹۰).

^۱foreign direct investment.

^۲foreign portfolio investment.

هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشرانها، چالشها و الزامات تحقق؛ بیست و دوم و بیست و سوم خردادماه ۱۳۹۸

تا دهه ۱۹۶۰، هیچ تئوری مستقل و خوداتکایی درباره FDI وجود نداشت و مفهوم FDI در قالب بخشی از جریان سرمایه بین‌المللی مطرح می‌شد و بسیاری از ویژگی‌ها و ابعاد مهم آن مورد غفلت قرار گرفت، ولی از دهه ۶۰ به بعد به دلیل افزایش حجم سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، ادبیات نظری فراوانی به وجود آمد که درصدد تبیین علل و انگیزه‌های وقوع FDI، زمان وقوع آن و مکان‌هایی که آن می‌توانست وارد شود، برآمدند.

بنابراین، سرمایه‌گذار خارجی هم در اصل سرمایه و هم در سود و زیان آن سهیم است و تمام توان مالی و سیاسی خود را به کار می‌گیرد تا شرکت یا واحد تولیدی، سودآوری بیشتری داشته باشد و هیچ‌گاه زیان نبیند. این امر سبب شده است اکثر کشورهای در حال توسعه که به سرمایه‌های خارجی نیازمند هستند، سعی کنند که از میان دو نوع سرمایه‌گذاری خارجی، بیشتر به سمت سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی حرکت کنند.

۳-۱- موافقان سرمایه‌گذاری خارجی

سرمایه‌گذاری خارجی، می‌تواند در بعضی از پارامترهای اقتصادی کلان مانند تولید ناخالص داخلی، حجم سرمایه‌گذاری، میزان پس‌انداز، نرخ رشد تراز پرداخت تا حجم بازرگانی خارجی و نرخ ارز، اثرگذار باشد و در این مفاهیم اختلاف نظر زیادی وجود ندارد. آنچه موجب ایجاد این اختلاف نظر است، چگونگی این تأثیر و میزان زیان‌های احتمالی و هزینه‌های متقابل آن است. این نوع سرمایه‌گذاری را راهی برای از میان برداشتن تفاوت میان مقادیر موجود و رسیدن به هدف‌ها و نیازهای توسعه ملی دانسته و سرمایه‌گذاری خارجی را راهی برای پر کردن این فاصله‌ها می‌دانند. در این نگاه، سرمایه‌گذاری خارجی بر کمیت‌هایی مانند پس‌انداز، ذخایر ارزی، دریافت‌های دولت، تحصیل مهارت‌ها و دانش فنی، تأمین بازار، حضور در اقتصاد جهانی و بازارهای مالی و بین‌المللی، اثرات مثبتی دارد (ساعی، ۱۳۹۰: ۱۶۱-۱۶۰).

تجارب همراه سرمایه‌گذاری خارجی در کشورهای در حال توسعه، موجب ایجاد تحول بزرگی در راه توسعه اقتصادی کشورهای مذکور می‌شود. کار با سرمایه‌گذاری خارجی، به برنامه‌های آموزشی و یادگیری از طریق انجام کار منجر می‌شود و کشورهای هدف به کمک این سرمایه‌گذاری‌ها می‌آموزند که چگونه باید با بازارها، بانک‌ها و منابع تأمین مالی خارجی رفتار کنند. فناوری تولید، ماشین‌آلات و تجهیزات مدرن ره‌آورد سرمایه‌گذاری موفق و برنامه‌ریزی شده خارجی است، به ارمغان می‌آورد که همان‌گونه که ذکر شد در صورت هوشیاری کشور میزبان موجب انتقال فناوری و مهارت و دانش می‌شود؛ زیرا سرعت تولید علم و دانش و فناوری و تحولات فناورانه در جهان امروز و در کشورهای صنعتی با چنان سرعتی پیش می‌رود که بدون همکاری و بهره‌گیری از دانش این کشورها دست‌یابی به آن برای کشورهای در حال توسعه امکان‌پذیر نیست (معمار زاده طهرانی و امینی، ۱۳۹۱: ۵-۴).

۳-۲- مخالفان سرمایه‌گذاری خارجی

اما از سوی دیگر، دسته‌ای از افراد قرار دارند که سرمایه‌گذاری خارجی را موجب افزایش قیمت‌ها و ایجاد انحصار دانسته و برخلاف نظریات ذکر شده، این نوع سرمایه‌گذاری را در بلندمدت به ضرر پس‌انداز و در نتیجه، سرمایه بیان می‌نمایند. این افراد، معتقدند سرمایه‌گذاری خارجی با وجود تأمین سرمایه در بلندمدت، با ایجاد حالت انحصاری و ممانعت از رقابت عمال، موجب کاهش پس‌انداز و سرمایه‌گذاری در کشور در حال توسعه می‌شود؛ زیرا بخش اعظم

هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشرانها، چالشها و الزامات تحقق؛ بیست و دوم و بیست و سوم خردادماه ۱۳۹۸

سود حاصل از سرمایه‌گذاری خارجی به جای سرمایه‌گذاری مجدد از کشور خارج می‌شود. به علاوه، درآمد این سرمایه‌گذاری‌ها عاید گروه‌هایی می‌شود که میل به پس‌انداز کمتری دارند و سرمایه‌گذاری‌های خارجی به جای افزایش سرمایه‌گذاری، موجب نقصان آن و با افزایش تقاضا موجب افزایش قیمت‌ها می‌شود. مخالفان سرمایه‌گذاران خارجی معتقدند که سرمایه‌گذاری خارجی، باعث حضور و نفوذ خارجی‌ان بر اقتصاد کشور می‌شود و منابع ملی را تاراج و به سود خود مصادره می‌کند (ساعی، ۱۳۹۱: ۱۶۴-۱۶۲). تجربه و ارقام و اعدادی که در دست است، ضعف این استدلال را به خوبی نشان می‌دهد. چراکه اگر کشوری هوشیارانه و باخرد و عقل در زمینه سرمایه‌گذاری خارجی عمل کند و مصلحت‌ها را درست تشخیص دهد، به خوبی خواهد توانست سرمایه‌ها را به سویی حرکت دهد که آینده کشور را تضمین کند.

۳-۳- موانع سرمایه‌گذاری خارجی

کشورهای جهان سوم، تحت تأثیر تفکر و اندیشه افرادی است که اقتصاد دولتی را به اقتصاد آزاد ترجیح می‌دهند و بر همین اساس، ذهنیتی منفی نسبت به سرمایه‌گذاری و سرمایه خارجی در میان جامعه آن‌ها وجود دارد. در سه دهه گذشته، تجربه رشد و توسعه کشورهای تازه به توسعه یافتگی، نشان می‌دهد که چنین باور و ذهنیتی با معیارهای عقلی و کارکردهای واقعی مطابقت ندارد و دنیا در این سه دهه شاهد کشورهای بی‌پایه بوده است که با تداوم رشد سرمایه‌داری به قدرت‌های بزرگ تبدیل شدند. کشورهایی که چارچوب‌های اقتصاد بازار را پذیرفتند، به تدریج در زمره ممالک توسعه یافته درآمدند و فاصله خود را با عقب‌ماندگی و فقر بیش‌ازپیش افزون کردند.

مانع دیگر، تصویب قوانین و مقرراتی است که تا جای ممکن مسیر سرمایه‌گذاری و میل و انگیزه نسبت به آن را دشوار و تضعیف می‌کند. در کشورهای در حال توسعه غالباً با تصمیم‌گیرندگان سیاسی و اقتصادی، تحت تأثیر جوی قرار می‌گیرند که نسبت به سرمایه‌گذار نگاه نامساعد و ناسازگار داشته و وجود انحصار و اقتدار سیاسی و اقتصادی حاکمان سایه می‌اندازد (اشرف، ۱۳۵۹: ۲۲). قوانین در این کشورها برای سرمایه‌گذاران تهدیدکننده و محدودیت‌آور است و با وجود این‌که در سیاست‌ها و استراتژی‌ها نسبت به سرمایه‌گذاری عبارتهای موافق و تشویق‌کننده‌ای دیده می‌شود، قوانین و مفاد آن‌ها به ترتیبی است که هرگونه تجاوز و تسلط بر سرمایه‌گذاران عمده را مجاز می‌شمارد (پارسامنش، ۱۳۸۶: ۳۱)

مانع سوم مربوط به بوروکراسی بسیار پیچیده و پرافت‌وخیز در نظام دولتی کشورهای کمتر توسعه یافته است. در این کشورها، آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌ها غالباً از حدود قانون خارج شده و محدودیت‌های بیشتری را برقرار می‌کنند و همین امر برای سرمایه‌گذاران خارجی که در کشور خود کمتر با آن برخورد می‌کنند، اثر منفی و ضد انگیزشی باقی می‌گذارد (رحیمی بروجردی، ۱۳۸۰: ۸۸). یکی دیگر از موانع سرمایه‌گذاری، فقدان یا ضعف مدیریت اقتصادی است که قادر به مواجهه مدیرانه با مشکلات و تأثیراتی که بروز می‌کند، نیست (همان، ۹۱)

۳-۴- راهکارهای جذب سرمایه‌های خارجی

علل و انگیزه‌های جریان سرمایه بین کشورهای مختلف تا حدود زیادی با علل و انگیزه‌های انتقال سرمایه بین بازارهای مختلف در داخل یک کشور یکسان‌اند. عوامل اقتصادی، مالی، فنی (سود و بازدهی، تأثیرات نرخ ارز، کسری

هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشرانها، چالشها و الزامات تحقق؛ بیت و دوم و سوم خردادماه ۱۳۹۸

بودجه، اثرات مالیات‌های داخلی) عوامل حمایتی (بیمه سرمایه‌گذار، حمایت‌های دولت، سیاست‌های تجاری و ارزی مناسب، بازارهای پولی و مالی)، عوامل سیاسی، جغرافیایی عواملی هستند که با استفاده از آنها می‌توان به جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی اقدام کرد. بازدهی مورد انتظار در انتقال سرمایه، اصلی‌ترین عامل است. از آنجایی که کشورهای در حال توسعه، دارای نیروی کار فراوان، مواد اولیه ارزان و بازارهای مصارفی اشباع نشده هستند، توجیه اقتصادی مناسب برای انتقال سرمایه به این کشورها مشروط به وجود سایر عوامل، وجود خواهد داشت (فرهادی، ۱۳۹۰: ۶۸).

مسئله‌ی نرخ ارز، یکی از عوامل تعیین‌کننده در محاسبه سودآوری و کارآیی پروژه‌های سرمایه‌گذاری می‌باشد و این موضوع می‌تواند کل فرآیند سرمایه‌گذاری و انتقال وجوه سرمایه به داخل اقتصاد کشورهای در حال توسعه را تحت‌الشعاع قرار دهد. همچنین، ثبات نرخ ارز باعث اطمینان در محیط اقتصادی داخلی می‌شود و در نتیجه، سرمایه‌گذاران می‌توانند با سهولت بیشتری در مورد سرمایه‌گذاری در زمان حال و آینده تصمیم‌گیری کنند. وضعیت مالی دولت نیز سرمایه‌گذاری و جریان سرمایه را تحت تأثیر قرار می‌دهد. چنانچه دولت با کسری مواجه باشد و آن را با انتشار اسکناس تأمین کند، فشارهای تورمی به وجود خواهد آمد و اگر از طریق فروش اوراق قرضه و استقراض از خارج باشد نیز خروج سرمایه از کشور را تشویق می‌کند، زیرا فروش اوراق قرضه و استقراض از خارج جزء تعهدات کشور است که باید در آینده بازپرداخت شود (اشرف، ۱۳۵۹: ۵۴)

همچنین، یکی از مهم‌ترین عوامل جذب سرمایه‌های خارجی، سیاست‌های حمایتی دولت است. نحوه سرمایه‌گذاری دولت در بخش‌های اقتصادی نقش مهمی را در حیطه عمل بخش خصوصی (چه داخلی یا خارجی) بازی می‌کند (محمدی، ۱۳۸۹: ۱)

از سوی دیگر، ثبات اجتماعی، ثبات سیاسی، ساختار سیاسی جامعه، نوع حکومت، قدرت دولت و نحوه تصمیم‌گیری، نظم سازمانی و موقعیت جغرافیایی کشور از جمله آب‌وهوا، ناهمواری‌ها، مسائل جمعیتی، مکان استقرار در حیات انسانی و دسترسی به گذرگاه‌های تجاری، از عوامل تشویق و تحدیدکننده سرمایه‌گذاری‌های خارجی است.

بنابراین از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر رشد اقتصادی کشورها و به خصوص کشورهای در حال توسعه، فراهم آوردن سرمایه به‌منظور تأمین مالی طرح‌های سرمایه‌گذاری است. چنانچه شرایط سرمایه‌گذاری در کشورهای در حال توسعه و اقتصادهای در حال گذار تضمین شود (قره‌باغیان، ۱۳۷۲: ۳۳) سرمایه‌گذاران بین‌المللی، میل و رغبت بیشتری برای حضور در این گونه بازارها خواهند داشت که این امر به کشورهای میزبان نیز فرصت بهره‌گیری از مزیت‌های نسبی، رشد اقتصادی، اشتغال‌زایی و دستیابی به دانش و فناوری روز برای تولید کالاهای رقابتی در عرصه بین‌المللی را می‌دهد؛ بنابراین، تسریع جریان ورود سرمایه‌گذاری خارجی، منافع متقابلی را برای کشورهای میزبان و سرمایه‌گذاران بین‌المللی فراهم می‌سازد (پارسامنش، ۱۳۸۶: ۱۹)

در نتیجه، به‌منظور کسب بیشترین منفعت از سرمایه‌گذاری خارجی و افزایش توان جذب آن در کشورهای در حال توسعه‌ای مانند ایران، بایستی ثبات سیاسی و امنیت اقتصادی، بهبود زیرساخت‌ها، وضع و اجرای قوانین و مقررات مناسب مورد توجه جدی قرار بگیرد. توجه ویژه به چنین زیرساخت‌هایی، موجب دست‌یابی به رقم بالایی از

هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشبرانها، چالشها و الزامات تحقق؛ بیست و دوم و بیست و سوم خردادماه ۱۳۹۸

جذب سرمایه‌های خارجی در میان کشورهای منطقه شده و روند توسعه‌یافتگی را سهل‌تر و آسان‌تر می‌نماید. اهتمام ویژه مسئولین ذی‌ربط بر مقوله امنیت سرمایه‌گذاری و توجه جدی به جذب آن از خارج، باعث جلو بردن پروژه‌های صنعتی کشور و افزایش قابلیت اعتماد زیرساخت‌های توسعه‌ای و در نتیجه اقتصادی خواهد شد و کشور را از بحران‌های مختل اقتصادی آینده جهان که فقر و بیکاری مهم‌ترین شاخص آن در کشورهای توسعه‌نیافته است نجات خواهد داد (اسدی و دیگران، ۱۳۸۹: ۷)

۳-۵- منافع حاصل از سرمایه‌گذاری خارجی

در یک نگاه کلی، اثرات سرمایه‌گذاری خارجی از جهاتی قابل‌بررسی است که در زیر به چندی از آن‌ها اشاره می‌شود:

۱. ساختار و عملکرد صنعتی: برخی مطالعات نشان داده‌اند که سرمایه‌گذاری‌های خارجی مخصوصاً از طریق شرکت‌های فراملی موجب می‌شوند تا تولیدکنندگان کارآمد جانشین تولیدکنندگان ناکارآمد شوند. شواهد تجربی حاکی از این است که در کشورهایی که در راه تجارت و سرمایه‌گذاری در آن‌ها موانع وجود نداشته و محیط اقتصادی برای فعالیت‌های بخش خصوصی (اعم از داخلی و خارجی) مساعد بوده است، شرکت‌های فراملی آثار مثبتی بر تخصیص منابع داشته‌اند. از طرف دیگر سرمایه‌گذاری خارجی می‌تواند باعث ایجاد سرمایه و هدایت آن به سمت واحدهای فعال و مولد شده و سبب افزایش تولید و کنترل تورم شود (طباطبایی، ۱۳۸۱: ۵۲).

۲. رشد اشتغال و سرمایه‌انسانی: سرمایه‌گذاری‌های خارجی، دارای اثرات متعددی بر اشتغال و توسعه نیروی انسانی است و این موضوع، لزوم بررسی دقیق‌تر طرح‌های پیشنهادی این شرکت‌ها توسط دولت و نیز وضع مقررات، برای استخدام کارکنان توسط شرکت‌های فراملی و برنامه‌های آموزش کارگران را مطرح می‌سازد. مطالعات نشان می‌دهد که اگر در یک کشور در حال رشد، بیکاری عمدتاً علت ساختاری داشته باشد؛ در این صورت، سرمایه‌گذاری‌های خارجی موجب افزایش اشتغال خواهد شد. از سوی دیگر، چنانچه سرمایه‌گذاری خارجی، جانشین سرمایه‌گذاری داخلی باشد، اثر اشتغال آن ناچیز و حتی منفی خواهد بود. شواهد تجربی نشان داده‌اند که شرکت‌های فراملی بیش از شرکت‌های محلی به فناوری‌های «سرمایه‌بر» گرایش دارند. از طرف دیگر، شرکت‌های فراملی به واسطه پیوندهایی که با صنایع بالادست یا پایین دست دارند و از طریق اثرات مثبت یا منفی که بر میزان استخدام رقیب می‌گذارند، می‌توانند به‌طور غیرمستقیم برامراشتغال تأثیر داشته باشد (همان، ۵۳).

۳. افزایش نقدینگی بازارهای سرمایه محلی: سرمایه‌گذاری خارجی، نقدینگی بازارهای سرمایه محلی را افزایش می‌دهد و همچنین می‌تواند به بهبود کارایی بازار کمک کند. سرمایه‌گذاری خارجی به دو صورت مستقیم و غیر مستقیم به افزایش نقدینگی بازار کمک می‌کند. با حضور سرمایه‌گذاران خارجی، پول اضافی وارد بازار سرمایه می‌شود و در نتیجه، حجم معاملات و قدرت نقد شوندگی بازار افزایش می‌یابد. از سوی دیگر، با حضور فعال و مستمر سرمایه‌گذاران خارجی، جذابیت بازار سرمایه بیشتر می‌شود و در نتیجه انگیزه و تمایل سرمایه‌گذاران داخلی برای سرمایه‌گذاری در بازار سرمایه افزایش می‌یابد و بدین گونه، این پدیده به‌صورت غیرمستقیم نیز به افزایش نقدینگی بازار منجر می‌شود. همچنین سرمایه‌گذاران خارجی با تقاضای اطلاعات شفاف، به‌موقع و باکیفیت، به افزایش کارایی بازار نیز کمک می‌کنند (همان، ۵۵).

هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشرانها، چالشها و الزامات تحقق؛ بیست و دوم و بیست و سوم خردادماه ۱۳۹۸

از دیگر منافع سرمایه‌گذاری خارجی، بهبود زیرساخت‌های بازار است. آن‌ها از طریق تقاضا برای استانداردهای حسابداری باکیفیت، قوانین و مقررات مناسب و نیروهای واجد شرایط و قابل اعتماد، به بهبود زیرساخت‌های بازار کمک می‌کنند (اشرف، ۱۳۵۹: ۳۹).

۴. پیوند اقتصاد ملی با اقتصاد بین‌المللی: یکی از اثرات مهم شرکت‌های فراملی با کشورهای میزبان، ایجاد پیوند و ارتباط بین این کشورها و اقتصاد بین‌المللی است. این روابط در اکثر موارد و در مجموع نتایج مثبتی در بردارند و از طریق سرمایه‌گذاری خارجی، تجارت و انتقال فناوری برقرار می‌شوند. عملیات شرکت‌های فراملی می‌تواند در افزایش کارایی و کاهش هزینه تولید مؤثر باشد و از این طریق موقعیت رقابتی یک کشور را در بازارهای بین‌المللی ارتقا بخشد و در نهایت به نفع مصرف‌کنندگان باشد. (طباطبایی، ۱۳۸۱: ۳۶).

۵. موازنه پرداخت‌ها و تشکیل سرمایه: شواهد موجود حاکی از آن است که سرمایه‌گذاری‌های خارجی در زمان سرمایه‌گذاری، تأثیر مثبت ناچیزی بر موازنه پرداخت‌ها و تشکیل سرمایه می‌گذارد؛ ولی با گذشت زمان این تشکیل سرمایه، می‌تواند از طریق سهم سود، سودهای انباشته و برگشت سرمایه تأثیر بیشتری داشته باشد. از نظر دولت‌ها، کنترلی که شرکت‌های فراملی بر سرمایه‌های خود اعمال می‌کنند، در بسیاری از موارد، به این شرکت‌ها امکان می‌دهد که بر سیاست‌های داخلی این کشورها تأثیر بگذارند و این مطلب یکی از دلایل موافقت نکردن با این قبیل سرمایه‌گذاری‌هاست (همان، ۵۵).

۶. دستیابی به بازارهای صادراتی: با وجود مشکلات حال و آینده بازارهای صادراتی، نیاز کشورهای در حال رشد به توسعه صادراتشان همچنان پابرجاست. یکی از وسایل رسیدن به این هدف استفاده از سرمایه‌گذاری‌های خارجی است. شرکت‌های فراملی می‌توانند فناوری لازم جهت تولید محصولات باکیفیت صادراتی و تضمین عواملی چون تحویل به‌موقع و کیفیت مطلوب و قابل اعتماد که لازمه بازاریابی صادراتی هستند.

۴. سرمایه‌گذاری خارجی در ایران

تجربیات ایران طی سه دهه اخیر بیانگر این واقعیت است که با وجود انجام برخی تحولات مثبت زیربنایی و ساختاری در اقتصاد کشور طی برنامه‌های توسعه، هنوز کشورها تا رسیدن به مرز اشباع در به‌کارگیری همه امکانات سرمایه‌های خود راهی بس طولانی رادرپیش دارد. درآمدهای ارزی کشور و نیز ایجاد زیرساخت‌های اصولی جهت نیل به توسعه و رشد پایدار و متوازن به ناچار می‌بایست به راهکارهایی جز فروش و صادرات نفت و با اصلاح ساختارهای اقتصاد و با برون‌رفت از اقتصاد تک‌محصولی مبتنی بر فروش نفت راه خودرابه سوی بازارهای جهانی گشوده بستری سازنده را برای اقتصاد خود فراهم‌سازیم.

درهمین راستا سرمایه‌گذاری خارجی، می‌تواند در راه استراتژی توسعه‌ی ملی مؤثر باشد و بستر لازم جهت نفوذ به بازارهای جهانی را فراهم آورد؛ چراکه طی این مکانیزم، تولید کشور افزایش یافته و سرمایه‌گذاری داخلی نیز رشد می‌کند. ایران با وجود برخورداری از مزیت‌های نسبی فراوان، فرصت‌های سرمایه‌گذاری در بخش‌های مختلف اقتصادی، شرایط اقلیمی مناسب، موقعیت جغرافیایی راهبردی و دسترسی آسان به بازارهای منطقه، همچنین با داشتن نفت، گاز، معادن، صنایع تبدیلی و کشاورزی و... می‌تواند رشد خوبی در جذب سرمایه‌گذاری خارجی داشته

هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشبران، چالش‌ها و الزامات تحقق؛ بیست و دوم و بیست و سوم خردادماه ۱۳۹۸

باشد؛ اما متأسفانه با داشتن موقعیت‌های مناسب جغرافیایی و اقتصادی، سهم اندکی از سرمایه‌گذاری‌های خارجی را جذب می‌کند. با وجود اینکه سرمایه‌گذاری در ایران، سوددهی مناسبی برای خارجی‌ها دارد و ایران توانایی و پتانسیل جذب ۱۰ درصد از ۳۰۰ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری صورت گرفته در کشورهای خارجی را داراست، اما زیر یک درصد از کل سرمایه‌های جهانی را جذب نموده و بر طبق گزارش واحد اطلاعات اکونومیست ایران از میان ۶۰ کشور مورد بررسی قرار گرفته از سوی این موسسه در مکان ۶۰ قرار گرفته است (<http://economists.ir>)

بازار سرمایه‌گذاری خارجی در ایران متأثر از وضعیت اقتصادی کشور مناسب ورود سرمایه‌های خارجی نبوده و بیشتر به جز مزیت‌های دسترسی به انرژی ارزان و عرضه محصول به بازار تشنه داخلی، از سایر مزیت‌های بازار سرمایه‌گذاری برخوردار نبوده است و رقم قابل‌ملاحظه‌ای از سرمایه‌گذاری مستقل و عمده با ماهیت خارجی برای تولید صنعتی رقابت‌مند در بازار داخلی و خارج به‌جز شرکت‌های داخلی که تحت لیسانس و یا از شریک خارجی استفاده کرده‌اند تشکیل نشده است و سازمان سرمایه‌گذاری و کمک‌های فنی و اقتصادی ایران به‌عنوان نهاد متولی حمایت و نظارت بر سرمایه‌گذاری خارجی، کارنامه شفاف از تحقق سرمایه‌گذاری که گاهی خروج سرمایه‌گذاری خارجی را در پایان دارد، ارائه نکرده است و در مقابل خروج سرمایه‌های داخلی به خارج از کشور شدت بیشتری داشته است و بیشترین دلیل این امر هم فقدان برخورداری از امنیت سرمایه‌گذاری، فشار سیاسی ناشی از تحریم، نبودن آزادی تجارت، رقابت نرخ بهره، نرخ ارز و... بوده است که این عوامل به‌نوبه‌ی خود بهره‌وری ملی را نیز پایین آورده است.

زمانی که جهان صنعتی از لحاظ نظری و رویکرد به توسعه به‌شدت متقاعد به سرمایه‌گذاری خارجی مستقیم در کشورهای در حال توسعه بود، کشور ما کمتر نیازی به این‌گونه سرمایه‌ها داشت؛ زیرا درآمد سرشار نفتی آن، سرمایه‌گذاری‌های داخلی بزرگی را برایش فراهم می‌کرد؛ از این‌رو هرچند بررسی ارقام و اعداد سرمایه‌گذاری خارجی در دوره‌ی ۱۹۸۰-۱۹۷۰ ممکن است این تصور را ایجاد کند که قدرت کشش بزرگی در ایران وجود داشته، اما در واقع این جذب سرمایه با خروج سرمایه متعادل به خارج از کشور در همان زمان همراه بود.

به‌این ترتیب باوقوف انقلاب در ایران و خروج شتاب‌زده سرمایه‌گذاران خارجی در فاصله سال‌های پس از انقلاب، آن‌ها تقریباً تمام زیان‌های متحمل شده‌ی خود و شاید حتی بیشتر از این زیان‌ها را با حکم دادگاه‌های بین‌المللی برداشت از اموال توقیف‌شده در خارج از ایران جبران کردند و دیدگاه موجود در مورد سرمایه‌گذاری خارجی با توجه به تجربیات تلخ یک قرن ونیم گذشته تعامل همراه با زیان با جهان خارج و به‌ویژه با غرب بسیار منفی بود. اثر این تفکر رami توان به‌خوبی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و به‌ویژه اصل ۸۰ قانون اساسی دید: بر اساس این اصل اعطای هرگونه امتیاز تشکیل شرکت‌ها و مؤسسات در امور تجاری و صنعتی و کشاورزی و معادن و خدمات به خارجیان مطلقاً ممنوع است؛ اما در دوران بعدی که نیاز کشور به سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به‌صورت روزافزونی افزایش یافت چه موقعیت داخلی وجه تغییر رویکرد جهانی نسبت به اهداف کوتاه‌مدت و درازمدت، این سرمایه‌گذاری‌ها ورود آن‌ها را به کشور مشکل‌تر ساخت.

هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشبرانها، چالشها و الزامات تحقق؛ بیست و دوم و بیست و سوم خردادماه ۱۳۹۸

سرمایه‌گذاری خارجی در ایران به دو دوره‌ی ۱۳۷۲-۱۳۵۷ و بعد از سال ۱۳۷۲ تقسیم می‌شود. دوره‌ی اول با تغییرات روی داده در جریان‌ات قانونی، سیاسی و اجتماعی کشور به زیان سرمایه‌گذاری خارجی، وام، اعتبار خارجی تغییر پیدا کرد. عوامل فوق سبب شد که جریان سرمایه‌گذاری خارجی که بیش از ۶ میلیارد یال در سال ۱۳۵۷ بود به ۴ میلیارد ریال در سال ۱۳۵۸ و ۲ میلیارد ریال در سال ۱۳۶۰ برسد و به تدریج این رقم کاهش یافته و حتی منفی شود؛ یعنی خروج خالص سرمایه داشته باشیم؛ به طوری که طی این دوره بیش از ۱۵ میلیارد ریال خروج ارز، محاسبه شده است (کاظمی، ۱۳۸۴: ۱۰۲).

پس از انقلاب، میزان سرمایه‌گذاری خارجی در ایران به شدت کاهش یافت و نه تنها در جذب سرمایه‌گذاری خارجی ناموفق بود؛ بلکه حتی برخی سرمایه‌گذاری‌های ایجادشده در سال‌های قبل از سال ۱۳۵۷ ملغی اعلام شد و اصل سرمایه به کشور مادر بازگشت داده شد و به خاطر جنگ و بی‌ثباتی سیاسی و اقتصادی و تحریم اقتصادی، سرمایه‌گذاران خارجی علاقه‌ای به سرمایه‌گذاری در ایران نداشتند.

در طول دوران جنگ کمتر به این نیازها توجه می‌شد؛ زیرا مشکلات خطیری متوجه کشور ایران بود؛ اما در بعد از جنگ تحمیلی، چرخش ناگهانی در مدیریت عالی کشور تلاش کرد اقتصاد را در چارچوب‌ها و مسیرهای جدیدی بیندازد که هدف آن‌ها ورود به منطق بازار و توسعه بود ولی این تلاش‌ها موفق به جذب سرمایه‌گذاری خارجی در ایران نشد بلکه سرمایه‌های استقرایی را وارد کشور کرد که به افتتاح هزاران طرح ناتمام منجر شد و حتی روندی که تحت عنوان «خصوصی‌سازی» آغاز شد؛ نه فقط نتوانست راه را بر تحقق زمینه مناسب برای شکوفایی بازار بگشاید، بلکه اعتماد عمومی نسبت به این مفهوم را نیز از میان برد و بر شدت عمل و حجم سرمایه‌ها و گردش سرمایه‌های زیرزمینی افزود به نحوی بنا بر اظهارات اخیر مقام اقتصادی کشور حجم این سرمایه‌ها امروزه در حد ۳۰ درصد کل گردش سرمایه است (همان، ۱۱۰).

در برنامه اول توسعه یعنی از سال ۱۳۷۲-۱۳۶۸ طبق تبصره ۲۹ قانون برنامه قرار بود که جهت دستیابی به رشد اقتصادی سریع‌تر و تأمین کمبود سرمایه‌ای، اقدام‌هایی جهت جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی به عمل آید، اما به دلیل بی‌ثباتی اقتصادی و سیاسی و نبود خط‌مشی و سیاست‌های اجرایی مناسب به منظور تحقق هدف و به‌ویژه بی‌ثباتی نرخ ارز و وجود تورم سرمایه‌گذاری خارجی در کشور صورت نگرفت و تنها استفاده از اعتبارات مالی و بیع متقابل به عنوان منابع تأمین مالی برنامه توسعه پیش‌بینی شده بود. پس از سال ۱۳۷۲ که نقطه عطف سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ایران می‌باشد، راهکارهای قانونی جهت پذیرش سرمایه‌گذاری خارجی با تصویب قانون چگونگی اداره مناطق آزاد تجاری - صنعتی در کشور مهیا گردید و جریان FDI به ایران پس از تصویب قانون جدید حمایت و گسترش سرمایه‌گذاری در سال ۱۳۸۱ افزایش یافت.

در دوره‌ی زمانی ۷۷-۷۲ دولت درصد فراهم کردن زمینه‌ی مناسب جهت جذب سرمایه‌گذاری خارجی بود که برای سرمایه‌گذاران خارجی تسهیلاتی در نظر گرفته شد که از جمله معافیت ۱۵ ساله از پرداخت مالیات بر درآمد و دارایی افراد حقیقی و حقوقی است که در این مناطق فعالیت اقتصادی می‌کنند و با تصویب برنامه دوم گام مهمی جهت تسهیل بر جذب سرمایه‌گذاری خارجی برداشته است و در این دوره مبلغ ۸۶۸/۴ میلیون دلار سرمایه خارجی

هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشبران ما، چالش‌ها و الزامات تحقق؛ بیست و دوم و بیست و سوم خردادماه ۱۳۹۸

وارد کشور شده است. روند جدیدی هم که با دولت دوم خرداد در کشور پدیدار شد به‌رغم حرکت کند و گاه مردد آن در این زمینه موفق‌تر بود و توانست اولین قدم‌ها را بردارد.

در زمان ریاست جمهوری خاتمی، اثرات مثبتی بر جذب سرمایه‌گذاری خارجی وجود داشته که با وجود سیاست تنش‌زدایی و همکاری سازنده با مجامع و سازمان‌های بین‌المللی به‌رغم ابعاد مثبت از کارایی کافی برای سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی مؤثر نبود. در برنامه سوم که از سال ۱۳۸۱-۱۳۷۷ بود موضوع سرمایه‌گذاری خارجی همچنان مورد توجه است و مهم‌ترین شرکای ایران در سال‌های ۸۱-۷۷ به ترتیب آلمان با ۲۸۶/۳ میلیون دلار سرمایه‌گذاری، انگلستان با ۲۷۱/۲ میلیون دلار سرمایه‌گذاری و بعد سوئیس و فرانسه به ترتیب با ۴۳ و ۹ میلیون دلار سرمایه‌گذاری کردند و جایگاه کشورهای شرق آسیا به‌ویژه کره جنوبی و ژاپن و امارات متحده عربی که در دوره ۷۷-۷۲ در مراتب اولیه قرار داشتند جایگاه خود را به کشورهای اروپایی به‌ویژه آلمان بدهند.

طی برنامه چهارم، توجه به سرمایه‌گذاری خارجی بیشتر از برنامه‌های قبل مورد توجه قرار گرفت. مهم‌ترین شرکای ایران در این دوره اسپانیا، آلمان و فرانسه هستند و وضعیت رشد سرانه‌ی ایران چندان مناسب نبوده با وجود اینکه کشور از درآمدهای نفتی زیادی بهره‌مند بوده است، نهادهای قانونی و حقوقی و فرهنگی لازم برای رشد اقتصادی در کشور وجود ندارد. فرهنگ کار در کشور ما رو به ضعف است. همه این عوامل باعث شده تا چنین وضعی برای ایران در راه و توسعه ایجاد شود در برنامه چهارم به دولت اجازه داده شد معادل ۱ در هزار از کل سرمایه‌گذار مستقیم خارجی، تحت پوشش قانون تشویق و حمایت سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی را علاوه بر بودجه سالانه در ردیف پیش رفت شده قرار دهد.

اکنون با توجه به شرایط سخت ایران و مشکلات داخلی و بین‌المللی طی سال‌های اخیر جذب سرمایه‌گذاری خارجی با موفقیت بیشتری روبه‌رو بوده است، ولی نباید به توهم ناشی از اثرات مثبت اما اندک این اقدام دست زد. اینکه حوزه‌ی سیاسی بر حوزه‌ی اقتصادی کشور تأثیر می‌گذارد، یک واقعیت است ولی وجود ساختارهای استوار دولتی برای تداوم این روابط ضروری است و نباید نبود دولت را به معنای آزادسازی مطلق اقتصادی سرمایه‌داری در نظر گرفت؛ زیرا در ایران ما با دولت سست مواجه بوده‌ایم تا عقب کشیدن یک دولت مقتدر اقتصادی و امید به جذب سرمایه‌گذاری خارجی.

جذب سرمایه در ایران بدون حضور در جریان گسترده و پویایی جهانی اقتصاد ممکن نیست که آن هم حضور سیاسی است و مشکل اساسی ایران بر جذب سرمایه، عدم توانایی در صدور سرمایه نیز است. موقعیت آرام اثبات سیاسی، شرطی لازم برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی در ایران است اما شرط کافی نیست؛ یعنی ثبات بتواند اولاً ایجاد مزیت نسبی در سرمایه‌گذاری کند و ثانیاً بتواند روابطی را فعال کند که در چارچوب جهانی شدن اقتصاد معنی دار بوده و با آن هم‌گرایی داشته باشد.

کشورهای عضو خلیج فارس در طول سال‌های گذشته توانستند با بهره‌گیری از این درس هر بار که با بحران سیاسی داخلی سرمایه‌های کشوری را فراری می‌داد سرمایه‌ها را جذب کنند. هر بار که تنش و مشکلات بین‌المللی روابط مستقیم را برای ما مسئله‌سازی می‌کرد، خود را به‌مثابه‌ی کانال‌های عبوری سرمایه‌ها به میان اندازد و سودهای

هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشبران ما، چالش‌ها و الزامات تحقق؛ بیست و دوم و بیست و سوم خردادماه ۱۳۹۸

فراوانی به دست آورند؛ و سپس آن را در مدارهای سرمایه‌ای دیگر به سود توسعه‌ی خود به کار گیرد. نبودن رشد اقتصادی در ایران مانع جذب سرمایه‌گذاری خارجی طی سال‌های اخیر شده است.

کشور ایران علی‌رغم دارا بودن منابع طبیعی فراوان، انرژی ارزان، نیروی کار ماهر، شرایط جغرافیایی متنوع، امکانات زیر بنایی مناسب، بازار مصرف انبوه داخلی و خارجی در کشورهای هم‌جوار، خطوط ترانزیت قابل‌ملاحظه و... مانع جذب سرمایه‌گذاری خارجی در کشور شده است و این در حالی است که بسیاری از کشورهای در حال توسعه که دارای بسیاری از مزیت‌های اقتصادی کشور ما نیستند توانسته‌اند طی دهه‌های اخیر به موفقیت‌های چشمگیری بر جذب سرمایه‌های خارجی دست پیدا کنند و وقوع برخی بی‌ثباتی‌های سیاسی - اقتصادی ناشی از وقوع انقلاب اسلامی، جنگ تحمیلی و تحریم‌های بین‌المللی دهه‌های اخیر در کشور باعث شده‌اند سرمایه‌گذاری خارجی از روند باثباتی برخوردار نباشد. اهمیت سرمایه‌گذاری خارجی در کشور زمانی در کشور مشخص می‌شود که بدانیم برای تحقق اهداف برنامه‌ی پنجم توسعه به حدود ۱۰۰۰ میلیارد دلار منابع مالی نیاز است. عواملی مانند وجود اقتصاد دولتی، بوروکراسی اداری گسترده و حرکت ایران به سمت اقتصاد درون‌گرا از مهم‌ترین عواملی هستند که ریسک سرمایه‌گذاری خارجی در ایران را افزایش می‌دهند. مهم‌ترین مؤلفه‌های تأثیرگذار در دستیابی به سرمایه‌گذاری خارجی در ایران، برقراری و تنظیم متناسب روابط خارجی کشور با جامعه‌ی جهانی، سازمان‌های بین‌المللی و... که با اتخاذ سیاست خارجی مطلوب و دیپلماسی فعال صورت می‌گیرد. بر اساس آمارهای رسمی کشور در حالی که کشور ایران در حدود یک درصد از جمعیت جهان را دارد تولید ناخالص آن حدود ۲/۰ درصد از تولید ناخالص جهان است به عبارت ساده‌تر تولید ناخالص ایران ۵ برابر کمتر از میزان جهانی آن است. از سوی دیگر متوسط سرانه هر ایرانی نیز یک‌چهارم متوسط جهانی آن است.

در چنین حالتی، حرکت در جهت تحولات اقتصادی، نه تنها به اتکای داخلی امکان‌پذیر نخواهد بود چراکه بیشتر درآمد افراد جامعه می‌باید برای خروج از فقر هزینه شود؛ در این صورت، سرمایه‌گذاری خارجی در کشور اهمیت می‌یابد. واحد اطلاعات اقتصادی اکونومیست ایران را از لحاظ ریسک سرمایه‌گذاری در سال ۲۰۰۶ در رتبه ۵۸ قرارداد در حالی که کشور سنگاپور در سال ۲۰۰۶ کم ریسک‌ترین کشور جهان شناخته شده است و در سطح خاورمیانه کشور امارات متحده عربی را کم ریسک‌ترین کشور برای سرمایه‌گذاری اعلام کرده است و شاخص ریسک این کشور را ۲۸ و رتبه‌ی جهانی آن را ۱۱ اعلام کرده است.

توجه به زیرساخت‌های قانونی و تشویق و تقویت سرمایه‌گذاری بخش خصوصی، توجه به کارایی و بهره‌وری سرمایه‌گذاری‌های انجام‌شده در زیرساخت‌ها، توجه به کارایی، بهره‌وری و سطح مهارت نیروی کار و اقداماتی در جهت افزایش ثبات سیاسی کشور می‌تواند بر جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ایران مؤثر باشد و طی دهه‌های ۵۷ تا دهه‌ی ۸۰ عامل باز بودن اقتصاد تأثیر مثبت اما بی‌معنا و عامل نسبت مخارج دولت به تولید ناخالص داخلی تأثیر منفی و بی‌معنایی بر جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ایران داشته‌اند.

در طول سال‌های اخیر شاید هیچ اقدامی عاقلانه‌تر از جلوگیری از ورود مازاد سرمایه‌های فروش نفت در طول چند سال گذشته به درون نظام مالی و اقتصادی کشور انجام نگرفته باشد و گروهی از قوانین و سازوکارهای ایجادشده

هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشبرانها، چالشها و الزامات تحقق؛ بیست و دوم و بیست و سوم خردادماه ۱۳۹۸

در زمینه ی تشویق سرمایه‌گذاری‌های خارجی نیز در این زمینه امیدبخش هستند. به دلیل وجود مشکلات در بررسی‌های انجام شده توسط مؤسسات مالی- بین‌المللی، نشان می‌دهد که ریسک سیاسی ایران در دهه‌ی اخیر رقم ۴ و در جایگاه ۳۰ الی ۳۵ متغییر بوده است که این نوسانات با توجه به تحرکات اخیر اروپاییان و بحث انرژی هسته‌ای ایران، سیر نزولی به خود خواهد گرفت.

۴-۱- محدودیت‌های داخلی در جذب سرمایه‌گذاری خارجی در ایران

۱. ذهنیت منفی نسبت به سرمایه‌گذاری خارجی در ایران که بیشتر از هر چیز تجربه‌ی ناموفق تاریخی در این زمینه بوده است. ۲. ریسک بالای سرمایه‌گذاری خارجی در کشور. ۳. توسعه نامناسب بازار مالی که اساساً ساختار مالی ایران مبتنی بر بانک است و نتوانسته است در جذب سرمایه‌ی خارجی مؤثر باشد. ۴. امنیت مالی و بیمه سرمایه‌گذار یکی از عواملی است که برای ایجاد امنیت مالی برای سرمایه‌گذار نقش مهمی را ایفا می‌کند و متأسفانه در کشور ما به این مهم زیاد توجه نشده است. ۵. مقررات اداری پیچیده.

۴-۲- موانع جذب سرمایه‌گذاری خارجی در ایران

موانع اقتصادی: گسترش بیش از حد بخش دولتی، نوسانات ارزی، سیاست تجاری ناکارآمد، نبود ثبات اقتصادی، عدم زیرساخت‌های فیزیکی، ضعف بندرها، عدم مهارت کافی نیروی انسانی و...

موانع حقوقی: وجود قوانین، مقررات و خط‌مشی‌های روشن مرتبط با سرمایه‌گذاری خارجی از قبیل قوانین گمرکی، مالیاتی، تجاری و... از جمله اشکال تسهیل‌کننده سرمایه‌گذاری خارجی هستند؛ ولی کشور جمهوری اسلامی ایران دارای قوانین و مقرراتی در زمینه‌های ذکر شده است که موانع و محدودیت‌های جدی را در راه جذب سرمایه‌گذاری خارجی ایجاد کرده است. از جمله این قوانین، اصولی از قانون اساسی (اصل ۴۴، ۷۷، ۸۱ و ۱۳۹)، قانون جلب و حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی مصوب ۱۳۳۴ و سایر قوانین مرتبط با سرمایه‌گذاری خارجی می‌باشد.

موانع فرهنگی: ارتباط ضعیف بین ایرانیان و اتباع خارجی، عدم وجود مدارس دوزبانه در ایران و...

موانع سیاسی: مهم‌ترین موانع سیاسی، اراده خصمانه قدرت‌های بزرگی همچون ایالات متحده آمریکا علیه دولت جمهوری اسلامی ایران است که ما نمونه‌های آن‌ها در تحریم‌های شدید چند سال اخیر و جلوگیری از ورود به سازمان تجارت جهانی مشاهده می‌کنیم و پس از آن نیز عدم اجماع داخلی بر سر جذب و چگونگی جذب سرمایه خارجی است.

البته این عامل اخیر، خود عدم اراده ملی برای این امر را به همراه داشته است و باعث عدم انسجام و هماهنگی لازم بین دستگاه‌های مختلف اجرایی شده است. البته از این امر نمی‌توان چشم‌پوشی کرد که در سال‌های اخیر ایران تلاش‌های زیادی برای مساعد کردن زمینه داخلی انجام داده است، اما اراده خصمانه قدرت‌های بزرگ چون آمریکا و انگلستان با تحریم‌های بین‌المللی‌شان علیه دولت ایران تشدید شده و مانع بزرگی برای تشویق سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ایران شده است.

هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشرانها، چالشها و الزامات تحقق؛ بیست و دوم و بیست و سوم خردادماه ۱۳۹۸

عوامل دیگر، مانند عدم ثبات سیاسی، مشکلات امنیتی، تفسیرهای گوناگون از استقلال سیاسی، اختلاف نظر بین جریان های سیاسی راجع به حضور سرمایه گذاران خارجی و... را نیز در این رابطه می توان ذکر کرد... (عباسی، ۱۳۸۳).

اما در یک تقسیم بندی دیگر، می توان در چالش های سیاسی سرمایه گذاری خارجی در ایران به موارد زیر اشاره کرد:

۱- تحریم های آمریکا و سازمان ملل متحد

۲- بی ثباتی اقتصادی در کشور ایران

۳- شرکت های نفتی خارجی از کار کردن در ایران منع می شوند

۴- مشکلات سیاسی باعث شده تا خیلی از بانک های مطرح و مشهور روابط تجاری خود را با ایران قطع کنند

(Fesharaki & adibi, 2014).

۵. نتیجه گیری و راهکارهای پیشنهادی

شرایط موجود اقتصادی کشور، نیازمند تحولات بنیادین در اندیشه و عمل در جهت کسب جایگاه شایسته در عرصه بین المللی است. وضعیت و جایگاه اقتصاد کشور در جهان با توانایی های بالقوه و بالفعل جامعه ایرانی همخوانی ندارد جامعه ما نیازمند اقدامات اساسی در جهت تحول و تغییر است. از این رو مهم ترین عامل رونق اقتصادی یا ارتقاء ایران در اقتصاد جهانی، جذب سرمایه گذاری خارجی است. کانون اصلی توسعه، سرمایه گذاری خارجی است که می تواند همچون لوکوموتیو که می تواند نیروی حرکتی در اقتصاد یک کشور ایجاد کند که رشد اقتصادی می تواند نتیجه ی آن باشد. سرمایه گذاری حاصل پس انداز بالا و امنیت در سرمایه گذاری است و درآمد کافی مردم و انتظار مثبت از آینده، نتیجه ی پس انداز است؛ بنابراین بودن بخش خصوصی بزرگ و کارآمد که با خصوصی سازی و حذف انحصارات ایجاد می شود و با ایجاد درآمد کافی برای مردم، استقلال از نوسانات ناشی از نفت و انتظار مثبت از آینده در کنار استفاده ی درست از جمعیت می تواند شرایط داشتن پس انداز بالا را ایجاد کند؛ و ایجاد حقوق مالکیت نیز محور امنیت سرمایه گذاری خارجی را به وجود آورد.

اگر سرمایه گذاری خارجی بخواهد به رشد اقتصادی منجر شود، دو بستر مناسب سیاسی و اقتصادی نیاز دارد که عدم وجود این بسترها باعث می شود سرمایه گذاری خارجی به رشد اقتصادی کمکی نکند. بستر مناسب اقتصادی نیازمند فعال سازی صندوق ذخیره ارزی و ایجاد عدالت، ایجاد بازار آزاد از طریق کاهش دخالت دولت، کاهش انحصار و رقابت، تقویت برون گرای تجاری، مالی و تولیدی و در نهایت فعال شدن پتانسیل سرمایه گذاری خارجی از طریق پتانسیل صنعتی شدن کشورهای خاورمیانه است.

بستر مناسب سیاسی برای اینکه بتواند رشد سرمایه گذاری خارجی را تسهیل کند، نیازمند برطرف کردن حل چالش های دولت در دنبال نمودن اهداف بلندمدت از طریق ابزارهای علمی و دوری از سیاست زدگی، همکاری دولت و حکومت در عرصه های مهم اقتصادی، ایجاد دموکراسی رشد یافته به جای دموکراسی فرقه ای، تقویت نقش حاکمیت دولت و کاهش تصدی گری، تحول سیاسی و ایجاد احزاب سیاسی فعال و پایدار است. همچنین راهکاری دیگر برای ارتقای سرمایه گذاری خارجی در الگوی توسعه ای ایران، تقویت سرمایه اجتماعی و سرمایه انسانی، ملاحظاتی زیست محیطی و کاهش فقر در جامعه است.

هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشرانها، چالشها و الزامات تحقق؛ بیست و دوم و بیست و سوم خردادماه ۱۳۹۸

لذا برای اینکه بتوان از سرمایه خارجی به عنوان مؤلفه ای در سند الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت ایران استفاده نمود باید هم در بعد داخلی در زمینه‌های قوانین مناسب، امنیت سرمایه‌گذاری، مسائل گمرکات، مشکلات بیمه و هم در بعد خارجی - برقراری روابط با دیگر کشورها، پذیرش قواعد سرمایه‌گذاری تجدیدنظر نمود تا بتوان با استفاده از این فرصت مشکلات اقتصادی را کاهش داد؛ بنابراین مسئولان می‌بایست با کمک از متخصصین در این زمینه در جهت اعتلای کشور گام بردارند.

فهرست منابع

۱. اسدی، مرتضی و سید رضا آقازاده. (۱۳۸۹). نقش سرمایه‌گذاری خارجی در رشد اقتصادی. فصلنامه سیاست‌های اقتصادی.
۲. اشرف، احمد (۱۳۵۹). موانع تاریخی سرمایه‌گذاری در ایران. تهران: انتشارات زمینه.
۳. بهروزی فر، مرتضی. (۱۳۸۳). ایران تحریم‌های آمریکا و بازار جهانی. مطالعات خاورمیانه. سال یازدهم. شماره ۳ و ۴.
۴. پارسامنش، مهرداد. (۱۳۸۶). سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ایران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران.
۵. خزاعی، حسین. (۱۳۷۱). سرمایه‌گذاری خارجی در ایران و اصل ۸۱ قانون اساسی. مجله قضائی حقوقی دادگستری. سال اول. شماره ۴.
۶. ذوالقدر، مالک. (۱۳۸۸). مبانی نظری سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی. فصلنامه سیاست. دوره ۳۹. شماره ۲.
۷. رحیمی بروجردی، مهرداد. (۱۳۸۰). بررسی تأثیر متغیرهای درون‌زا و برون‌زا بر سرمایه‌گذاری خارجی در ایران، تهران: انتشارات بانک مرکزی.
۸. ساعی، احمد. (۱۳۹۰). مسائل سیاسی و اقتصادی جهان سوم. چاپ دوازدهم. تهران: انتشارات سمت.
۹. طباطبایی، سید علی. (۱۳۸۱). ثبات سیاست و سرمایه‌گذاری خارجی. تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک ریاست جمهوری.
۱۰. عباسی، ابراهیم. (۱۳۸۳). جذب سرمایه‌گذاری خارجی در ایران. روزنامه همشهری.
۱۱. غلیدوستی شهرک، ناصر. (۱۳۸۹). حقوق سرمایه‌گذاری خارجی. انتشارات خرسند. چاپ اول.
۱۲. فرهادی، غلامعلی. (۱۳۹۰). جایگاه سرمایه‌گذاری خارجی در کشورهای در حال توسعه. تهران: دادگستر.
۱۳. قره‌باغیان، مرتضی. (۱۳۷۲). اقتصاد رشد و توسعه. تهران: نشر نی.
۱۴. کاظمی، آوا. (۱۳۸۴). سرمایه‌گذاری خارجی در ایران بعد از ۱۹۹۲ با تأکید بر سرمایه‌گذاری مستقیم اروپایی. رساله کارشناسی ارشد. دانشکده وزارت امور خارجه.
۱۵. محمدی، فرزانه. (۱۳۸۹). بررسی ارتباط سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، تجارت و رشد در چارچوب یک الگوی خود توضیح با وقفه‌های گسترده. فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی. سال نهم. شماره دوم. ص ۱۷-۱.
۱۶. معمار زاده طهرانی، غلامرضا و امینی، الهه. (۱۳۹۱). شناسایی و اولویت‌بندی موانع سرمایه‌گذاری خارجی در ایران. فصلنامه رسالت مدیریت دولتی. سال سوم. شماره پنجم و ششم.

هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشبران ما، چالش‌ها و الزامات تحقق؛ بیست و دوم و بیست و سوم خردادماه ۱۳۹۸

۱۷. یآوری، کاظم و سعادت، رحمان. (۱۳۸۴). اثر سرمایه‌گذاری خارجی بر رشد اقتصادی ایران. فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق شماره ۲۷.

۱۸. یآوری، کاظم و مهرگان، نادر. (۱۳۸۰). بهره‌وری سرمایه تأمین‌شده از خارج و تولید داخلی در اقتصاد ایران. نامه مفید. شماره ۲۷. صص ۹۹-۱۱۱.

۱۹. سایت اینترنتی

<http://economists.ir>.

20. Fesharaki, F. & Adibi, S. (2012). Iran's oil and gas industry. 6th annual middle east gas insider.